

نقش سختی ها در کمال آدمی از منظر آیات و روایات

اعظم السادات حسینی نسب^۱

چکیده

سختی‌ها و مشکلات، نقش حیاتی در کمال و رشد انسان دارند که از دیدگاه آیات و روایات، خداوند متعال، انسان‌ها را با بلاها و سختی‌ها می‌آزماید تا استعدادها و ظرفیت‌های درونی آن‌ها شکوفا شود و به کمال مطلوب خود برسند. این تجربیات تلخ، فرصت‌هایی برای خودشناسی، تقویت اراده، و افزایش صبر و استقامت فراهم می‌کنند. در واقع، سختی‌ها می‌توانند به عنوان یک شمشیر دولبه عمل کنند؛ اگر با دیدی مثبت و سازنده با آنها برخورد شود، به تعالی و رشد انسان منجر می‌شوند، اما اگر با تسلیم و ناامیدی پذیرفته شوند، می‌توانند مانع پیشرفت شوند. بنابراین هدف از پژوهش حاضر نقش سختی‌ها در کمال آدمی از منظر آیات و روایات می‌باشد. با توجه به آیات قرآن، بین پندار غالب انسان‌ها در مورد شر و سختی در عالم واقع، با آنچه برای رشد بشر در راستای فطرتش واقعاً شر محسوب می‌شود تفاوت معرفتی وجود دارد. این خطای معرفتی زمینه‌ساز کنش‌های نامناسب در برابر سختی‌ها شده و فرصت‌های تکاملی زیادی را از انسان ضایع می‌کند. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی، تحلیلی و با استناد از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

کلیدواژه: سختی، کمال آدمی، آیات و روایات.

^۱ طلبه سطح دو، حوزه حضرت زهرا (س)

انسان موجودی است که برای رسیدن به کمال و قرب الهی آفریده شده است. این راه، راهی پرفراز و نشیب است که با سختی‌ها و مشکلات همراه است. به بیانی دیگر، سختی‌ها و مشکلات، اجزای جدایی‌ناپذیر زندگی انسان هستند که نقش مهمی در تکامل و تعالی او ایفا می‌کنند. این سختی‌ها، چه در قالب آزمایش‌های الهی و چه به شکل موانع و مشکلات روزمره، می‌توانند فرصتی برای رشد و پیشرفت انسان در ابعاد مختلف معنوی، اخلاقی و حتی مادی فراهم آورند. در نتیجه، سختی‌ها به عنوان شلاقی برای تکامل، انسان را به چالش می‌کشند و او را وادار به تلاش، صبر و استقامت می‌کنند که این امر در نهایت به شکوفایی استعدادها و رسیدن به کمال منجر می‌شود. در پیشینه این پژوهش، مقالاتی در این زمینه و در ارتباط با موضوع پژوهش به صورت پراکنده نوشته شده است و هرکدام از این پژوهش‌ها به یک بحث در ارتباط با این موضوع پرداخته‌اند که از جمله: نقش سختی‌ها در تکامل انسان از دیدگاه قرآن، مولف: علی رضا دهقان پور، ۱۳۹۳ در این مقاله به واکای مفهوم و فهم مبانی وجود شناختی و معرفت شناختی سختی‌ها براساس آموزه‌های قرآن پرداخته شده است. در مقاله: نقش صبر در تکامل روحی انسان از دیدگاه عرفا، مولف: طاهره خوشحال دستجردی، ۱۳۸۳ در این مقاله به نقش صبر در تکامل روحی انسان از دیدگاه عرفا پرداخته شده است. در مقاله: نقش سختی‌ها در کمال آدمی در منطق قرآن، مولف: آمنه بهروز، ۱۳۹۱ در این مقاله به نقش سختی‌ها در کمال آدمی در منطق قرآن پرداخته شده است. هدف از پژوهش حاضر، نقش سختی‌ها در کمال آدمی از منظر آیات و روایات است. ولی در این مقاله حاضر سعی شده است تا ضمن پرداختن به مفاهیم این پژوهش، به نقش سختی‌ها در کمال آدمی از منظر آیات و روایات پرداخته شود. بر این اساس ما در این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالی هستیم که بیانگر و روشن‌کننده این تحقیق باشد از جمله:

۱- نقش سختی‌ها در کمال آدمی از منظر آیات و روایات چیست؟

۱- مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به بحث‌های اصلی لازم است کلمات کلیدی و تأثیرگذار را که در این پژوهش مطرح است مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار داده شود تا با روشن شدن مفاهیم آن‌ها، تبیین هرچه بیشتر بحث ممکن شود.

۱-۱- کمال

کمال «در لغت به معنای تمام و نهایت چیزی است و در اصطلاح، امری حقیقی و صفتی وجودی است که انسان با پیمودن مراحل لازم به حقیقت آن می‌رسد، به گونه‌ای که در هر مرتبه از کمال، کاری از انسان ساخته است که اگر به آن مرتبه نرسد، در انجام دادن چنان کاری ناتوان است. برای مثال، اخلاق نیک که یکی از مراتب کمال انسان است، وی را از غیبت، دروغ و سخن چینی باز می‌دارد و هر کس این مرتبه از کمال را داشته باشد، می‌تواند زبان خود را کنترل کند و پشت سر کسی غیبت نکند و هر کس از این کمال بی‌بهره باشد، به عنوان فردی بداخلاق، بدزبان و پست شناخته می‌شود.

در حقیقت، کمال، امری نسبی است و هر موجودی متناسب با ماهیت خویش، کمال ویژه‌ای دارد. به اصطلاح، کمال هر موجودی آن چیزی است که از نظر فطری یا شرعی از آن موجود انتظار می‌رود. ممکن است صفت یا حالتی برای موجودی کمال باشد، ولی همان صفت یا حالت، برای موجود دیگر نقص و عیب به شمار رود. برای مثال، کمال آهن در محکم و سخت بودن آن است، ولی کمال موم در نرم بودن، کمال عسل و شکر در شیرین بودن است، ولی کمال حنظل در تلخ بودن، کمال آتش در حرارت و سوزاندن است و کمال آب، در خنکی و فرو نشاندن تشنگی. پس به طور کلی، هر چیزی ویژگی خود دارد که اگر آن را نداشته باشد، ناقص و اگر آن را دارا باشد، کامل است و کمال انسان، همان رشد استعدادهای فطری او برای رسیدن به قرب الهی است. کمال جویی و سعادت خواهی، از نیازهای فطری و ذاتی انسان است و همه کوشش‌های بشری به منظور برآورده شدن این نیاز و پرورش آن برای دست یابی به سعادت و نیک بختی در سایه بندگی است و آن گوهری است که نتیجه آن، خداوندگری است.^۱

بنابراین، تنها راه رسیدن به این مقام، عبودیت است. به بیان بهتر، کمال انسان در عبودیت است و هر کس به مقام عبودیت برسد، به کمال انسانی رسیده است. بندگی و پرستش، مفهوم جامع و گسترده‌ای دارد که عمل به وظایف الهی و ادای تکالیف و مسئولیت‌ها و ارتباط پیوسته با خداوند و فراموش نکردن یاد و حضور او و نیز مبارزه بی

^۱ حویزی، نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۵۶.

امان و پی گیر با وسوسه های شیطانی و خواهش های نفسانی را در بر می گیرد. با وجود این، بهترین راه بندگی و تقرب به خداوند و در یک کلام، کسب کمالات در گرو ادای فرایض دینی به ویژه نماز است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیثی قدسی می فرماید: «مَا تَقَرَّبَ إِلَى عَبْدٍ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَ أَنَّهُ لِيَتَقَرَّبَ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أُحِبَّهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، إِنْ دَعَانِي، أُجِيبُهُ وَ إِنْ سَأَلَنِي أُعْطِيَهُ»؛ «هیچ بنده ای با کاری، به من تقرب نجسته است که محبوب تر از ادای فرایض باشد. بنده من با خواندن نمازهای نافله، چنان به من نزدیک می شود که او را دوست می دارم. وقتی او محبوب من شد، من گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و زبان او می گردم که با آن سخن می گوید و دست او می شوم که با آن حمله می کند. هرگاه مرا بخواند، اجابت می کنم و اگر چیزی از من بخواهد، به او می دهم.»

صاحبان علوم گوناگون، تفسیرهای متنوع و متفاوتی از کمال انسان دارند. هر کسی کمال را در رشته علمی خاص خود می داند؛ ولی آخرین سخن را کمال آفرین جهان هستی، خدای سبحان، می گوید و چه کسی راستگوتر از اوست؟: «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا»^۱ در علوم اعتباری و قراردادی، صاحبان علوم ادبی، کسی را که در علوم ادبی جامع باشد، «کامل» می نامند. آنان به کسی که لغت شناس ماهر و در فن لغت سرآمد باشد، «لغوی» و به کسی که در علم «اعراب» سرآمد باشد «نحوی» و به کسی که در فن شعر و قافیه و وزن شناسی ماهر باشد، «عروضی» و به کسی که جامع بین این رشته ها شده «ادیب کامل» می گویند.

در علوم استدلالی، به کسی که در هندسه، ریاضیات و علوم تجربی، طبیعی و منطق سرآمد و ماهر باشد و با جمع این سه رشته بتواند در معارف الهیه، حقایق را به خوبی استنباط کند، «فیلسوف کامل» و «حکیم» می گویند؛ ولی در علوم حقیقی و نزد اهل معرفت، کمال به معنای دیگری تفسیر شده است. مرحوم سید حیدر آملی، که از عرفای بنام امامیه و از معتقدان به ولای اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام) است می گوید: به کسی که در علم شریعت، سرآمد و در علم طریقت، دارای کارآیی لازم و در علم حقیقت، صاحب بصر باشد، «شیخ» می گویند. بنابراین، شیخ، انسان کاملی است که دارای این ویژگی های یاد شده باشد. البته هر کدام از این علوم، اصطلاح خاص خود را داراست؛ در روایات معصومین (علیه السلام) نیز آمده است که همه کمال، در اموری، مانند «تفقه

^۱ کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۵۶.

^۲ نساء، ۱۲۲.

در دین» است: «الکمال کل الکمال التفقه فی الدین»^۱؛ «تفقه در دین، عبارت از دین شناسی و دین باوری است.» کسی که دین شناس نیست یا دین شناس است ولی دین باور نیست، فقیه نیست. «تفقه» در دین به معنای ماهر و ممحض بودن در دین است.

۲- کمال انسان در قرآن کریم

انسان باید عابد عالم باشد. عبادت، از آن عقل عملی و معرفت، از آن عقل نظری اوست و هویت انسان را عقل نظری و عقل عملی او تشکیل می دهد؛ یعنی انسان عالم عابد، انسان به مقصد رسیده است. کمال، در بینایی و دارایی انسان است، انسان باید معارف الهی را به خوبی بفهمد و بر اساس آن عمل کند، یعنی آنچه را که یاد گرفته به عمل برساند. همان گونه که خوبی ها با عبادت های خوب تلازم دارند، بدی ها نیز با عبادت های ناقص متلازمند؛ یعنی، اگر کسی به بخشی از کارهای خوب موفق شود، توفیق انجام نمازهای خوب هم نصیب او می گردد.

خدای سبحان کمال محض و کمال آفرین است؛ هر چه از او ظهور کند کامل است. عالم و آدم از او ظهور کرده و هر دو از مظاهر کمال حقند، هم کمال نفسی دارند و هم از کمال نسبی برخوردارند: «مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ»^۲؛ «همه ذرات عالم هستی به سوی کمال در حرکتند و مسیر امر الهی را طی می کنند، خدای سبحان به آسمان ها و زمین فرمود: خواسته یا ناخواسته به سوی من بیاوید، گفتند ما خواهانیم و با طلوع و رغبت می آییم: «قَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ»^۳؛ «انسان نیز تافته ای جدا بافته از جهان خلقت نیست، از این رو سعی می کند با رسیدن به کمال مطلوب خود را با سایر مخلوقات وفق دهد و با مجموعه جهان آفرینش هماهنگ سازد، راه هماهنگ شدن با نظام پیوسته جهان، در سیر به سوی کمال مطلوب، کسب فضایل اخلاقی است. اخلاق این توانایی را دارد که انسان متخلق را در این مسیر با این مجموعه هماهنگ کند، انسان نیز به طور طبیعی پذیرای چنین هماهنگی است و در مسیر کمال مطلق در حرکت است.

^۱ ابن شعبه، تحف العقول، ص ۲۹۲.

^۲ ملک، ۳.

^۳ فصلت، ۱۱.

را از امیر مؤمنان نداشتند، با تعجب پرسیدند: «سبحان الله! این، کلام مثل توست؟» و ایشان در پاسخ فرمود: «قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ»^۱، «فَالْخَيْرُ الصَّحَّةُ وَالْغِنَى، وَالشَّرُّ الْمَرَضُ وَالْفَقْرُ ابْتِلَاءٌ وَآخِثَارًا.»^۲ خدای متعال می فرماید: «و شما را از راه آزمایش به بد و نیک می آزماییم.» خیر، صحت و غناست و شر، بیماری و فقر است به خاطر آزمایش و انتخاب. آیه ای که در کلام امیر مؤمنان آمده، دلیل روشنی است بر این که حکمت بخشی از مصائب، «آزمایش» است تا انسان، در نتیجه شکیبایی و موقفیت در امتحان، به کمال برسد. این معنا در آیه ای دیگر، چنین آمده است: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»^۳؛ «و قطعاً شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می آزماییم، و شکیبایان را مژده بده.» بر این اساس، شُور و سختی هایی که برای آزمون و سازندگی انسان اند، نه تنها منافاتی با عدالت و حکمت خداوند ندارند، بلکه عین حکمت اند. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعَاذَكُمْ مِنْ أَنْ يَجُورَ عَلَيْكُمْ، وَلَمْ يُعَذِّبْكُمْ مِنْ أَنْ يَبْتَلِيَكُمْ»^۴؛ «هلا ای مردمان! خداوند، شما را پناه داده که به شما ستم نکند و پناه نداده که شما را مبتلا نکند. گفتنی است که آزمایش الهی، به منظور کشف حقیقت برای خود انسان و یا دیگران نیست؛ بلکه برای این است که استعداد های نهفته انسان، به اراده و اختیار او پرورش یابند، به گونه ای که آنچه را در درون دارد، آشکار کند. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «أَلَا إِنَّ تَعَالَى اللَّهُ قَدْ كَشَفَ الْخَلْقَ كَشْفَةً، لَا أَنَّهُ جَهْلٌ مَا أَخْفَاهُ مِنْ مَصُونٍ أَسْرَارِهِمْ وَمَكْنُونٍ ضَمَائِرِهِمْ، وَلَكِنْ لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا، فَيَكُونَ الثَّوَابُ جَزَاءً وَالْعِقَابُ بَوَاءً»^۵؛ «هان، بدانید که خداوند متعال، پنهانی های مردم را آشکار کرد، نه از سر این که نمی دانست نگاهدار چه اسراری هستند یا در درون خود، چه پنهان کرده اند؛ بلکه برای این که آنان را بیازماید که کدامشان از جهت عمل، بهتر است تا ثواب، پاداش و عقاب، تقاضا آنان باشد. جان انسان، همانند جسم او در سختی ها پرورش می یابد و آب داده و پولادین می گردد.» امام علی (علیه السلام) در پاسخ به پندار کسانی که تصوّر می کردند.

^۱ همان، خطبه ۱۴۴.

^۲ همان، نامه ۴۵.

^۳ مجلسی، بحار الانوار، ص ۲۴۲.

^۴ انبیاء، ۳۵.

^۵ همان.

زندگی در شرایط سخت و تغذیه ساده، موجب ضعف و ناتوانی جسمی می گردد، می فرماید: «لَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِيَّةَ أَصْلَبُ عُودًا، وَالرَّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا وَالنَّابِتَاتِ الْعَذِيَّةَ أَقْوَى وَقُودًا وَأَبْطَأَ خُمُودًا»؛ «بدانید که درخت بیابانی که آب کمتر می خورد، چوبش سخت تر، و درختان سبز، پوستشان نازک تر است و شعله آتش گیاهان صحرائی، افروخته تر و خاموشی آنها دیرتر است. در نظام حکیمانه جهان، سختی‌ها و مشکلاتی که به اهل ایمان می رسند، به منظور پرورش استعدادهای درونی و تکامل آنهایند.»

در واقع، خداوند متعال، جان دوستان خود را در این جهان، با بلا تغذیه می نماید و به تعبیر زیبای پیامبر خدا: «إِنَّ اللَّهَ لَيُغْذِي عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ، كَمَا تُغْذِي الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا بِاللَبَنِ»^۱؛ «خداوند، بنده مؤمنش را با بلا تغذیه می کند، همان گونه که مادر، فرزندش را با شیر تغذیه می کند. نیز هر کس در بزم الهی مقرب تر است، جام بلا بیشترش می دهند.» چنان که در حدیثی دیگر از پیامبر خدا آمده است: «مَا كُرِّمَ عَبْدٌ عَلَى اللَّهِ إِلَّا أَزْدَادَ عَلَيْهِ الْبَلَاءُ»^۲؛ «هیچ بنده ای در نزد خداوند گرامی نشد، مگر که خدا بلا را بر او افزون کرد. درست به همین دلیل است که که رهبران بزرگ الهی، بیش از دیگران در این جهان، محنت دیده و بلا کشیده اند. امام صادق (علیه السلام) در حدیثی می فرماید: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلَا أَمْثَلُ»^۳؛ «گرفتارترین مردم به بلا، پیامبران و پس از آنها دنباله روان آنها و آن گاه، شریف ترین هایند. و در حدیثی دیگر می فرماید: «إِنَّمَا يَبْتَلَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِبَادَهُ عَلَى قَدَرٍ مَنَازِلِهِمْ عِنْدَهُ»^۴؛ «خداوند خجسته و والا، بندگانش را به اندازه جایگاهی که در نزد او دارند، گرفتار می کند. بنا بر این، مصائب گرفتاری های زندگی، دو جهت می توانند داشته باشند: گاه برای مجازات و تأدیب و تطهیرند و گاه برای پرورش استعدادها و کمالیابی نفس‌ها و البته، محنت های اولیای الهی، از قسم دوم اند. از این رو، در جریان برخورد یزید بن معاویه با امام زین العابدین (علیه السلام)، هنگامی که یزید، آیه: «وَمَا أَصْبَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ»^۵؛ «و هرگونه مصیبتی به شما برسد، به سبب دستاورد خود شماست» را قرائت کرد و این چنین، مصائب وارد شده بر اهل بیت امام حسین (علیه السلام) را مجازات الهی معرفی نمود، امام زین العابدین

^۱ مجلسی، بحارالانوار، ص ۲۴۰.

^۲ همان، ص ۲۴۲.

^۳ همان، ص ۲۴۲.

^۴ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۵۲.

^۵ مفید، الامالی، ص ۲۴.

^۶ شوری، ۳۰.

(علیه السلام) در پاسخ فرمود: «لیست هذه الآیة فینا، إنّ فینا قول الله عز و جل: مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلٍ أَنْ نَبْرَأَهَا»^۱ این آیه درباره ما نیست.

^۱ حدید، ۲۲.

نتیجه گیری

قرآن کریم نقش کلیدی برای سختی‌ها در رشد و کمال انسان قائل است. این سختی‌ها به عنوان ابزاری برای امتحان، تربیت و تکامل روحی و اخلاقی انسان معرفی می‌شوند. قرآن کریم نشان می‌دهد که انسان در مسیر هدف رسیدن به کمال، از میان سختی‌ها عبور می‌کند و با صبر و استقامت می‌تواند به درجات بالاتری از قرب الهی دست یابد. در قرآن، سختی‌ها و مشکلات به عنوان بخشی از زندگی انسان و نظام آفرینش تلقی می‌شوند. این سختی‌ها می‌توانند شامل امتحان‌های عقیدتی، جسمی، یا اجتماعی باشند. قرآن کریم بیان می‌کند که این سختی‌ها برای انسان‌ها فرصتی برای رشد، خودشناسی، و دوری از گناه فراهم می‌کنند. مانند نمونه آیه ۱۱۲ سوره هود، به انسان‌ها دستور می‌دهد که در برابر سختی‌ها استقامت ورزند و از طغیان دوری کنند. این آیه نشان می‌دهد که صبر و پایداری در برابر مشکلات، یکی از عوامل مهم در رسیدن به کمال است. همچنین، قرآن به انسان‌ها توصیه می‌کند که در مواجهه با سختی‌ها به خداوند توکل کنند و از او کمک بخواهند. بنابراین، قرآن کریم نقش سختی‌ها را در کمال انسان، ابزاری برای تربیت، رشد و تعالی می‌داند و انسان‌ها را تشویق می‌کند که با صبر و توکل بر خداوند، از این سختی‌ها به نفع خود بهره ببرند.

منابع

- *قرآن کریم، ترجمه: مهدی الهی قمشه ای.
- *نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، انتشارات قدس، قم، ۱۳۸۲.
- ۱- ابن شعبه، حسن، **تحف العقول**، نشر: اندیشه مولانا، ۱۳۹۲.
- ۲- حویزی، علی بن جمعه، **نورالثقلین**، ج ۴، نشر: دارالتفسیر، ۱۳۸۳.
- ۳- دیلمی، حسن بن محمد، **ارشادالقلوب**، ج ۱، نشر: آل علی (ع)، ۱۳۹۷.
- ۴- صدوق، محمد بن علی، **خصال**، ج ۱، نشر: اندیشه هادی، ۱۳۸۵.
- ۵- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۲، نشر: دارالثقلین، ۱۳۹۱.
- ۶- محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، نشر: موسسه فرهنگی دارالحديث، ۱۳۹۵.
- ۷- مفید، محمد بن علی، **الامالی**، نشر: آدینه سبز، ۱۳۹۲.
- ۸- مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، نشر: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸.
- مطهری، مجموعه آثار، ج ۱،